

بازی بزرگ

تبدیل شود و قدرتهای منطقه ای و جهانی
Peter Hopkirk, *The Great Game ,
The Struggle For Empire in Central
برای توسعه نفوذ خود دست به تحرک
Asia, Published in 1992, U. S. A,
گسترده ای بزنند. پیتراهپکرک در کتاب
Pages. 565.*

«بازی بزرگ»، رقابتهای دو قدرت جهانی را
در قرن نوزدهم که از قفقاز تا چین ادامه
در قرن نوزدهم، صحرای خشک و منزوی
یافت، مورد بررسی قرار داده است.
آسیای مرکزی به عرصه منازعات عوامل
کتاب، در سه فصل تنظیم شده است.
بریتانیای کبیر و روسیه تزاری تبدیل شد. در
در نخستین فصل، مسئله افزایش توجه
این دوران که قدرتهای استعماری یاد شده
روسیه تزاری به آسیای مرکزی و آغاز رقابت
در آسیای مرکزی، قفقاز و ایران رقابت
این کشور با بریتانیا در آسیای مرکزی مورد
شدیدی را سازمان دادند، «بازی بزرگ»
بررسی قرار گرفته است. فصل دوم، سالهای
تحقق یافت. فروپاشی اتحاد شوروی در دهه
میانى قرن نوزدهم تا سلطه روسیه بر
پایانی قرن بیستم، سبب شد تا بار دیگر
آسیای مرکزی به عرصه بازی بزرگ جدیدی
در سوم، مسئله استقرار کامل روسیه در

آسیای مرکزی و فعالیتهای عوامل بریتانیا برای جلوگیری از نفوذ روسیه به سوی جنوب و نزدیک شدن به هندوستان طرح و بررسی شده است که با تحلیل جنگ سال ۱۹۰۵ روسیه و ژاپن پایان می یابد. گفتنی است که واژه بازی بزرگ، برگرفته از کتاب معروف رودیارد کیپلینگ به نام «کیم» در سال ۱۹۰۱ می باشد.

در این کتاب، روسیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی «بازی بزرگ» در قرن نوزدهم و در پایان قرن بیستم نیز معرفی شده است که در شرایط جدید نظام بین المللی، چین در کنار ایالات متحده امریکا، با هراس از انتقال امواج بی ثباتی سیاسی-اجتماعی از جمهوریهای این منطقه، به طور جدی مسائل آن را پیگیری می کند. قدرتهای منطقه ای دیگر نیز مانند ایران، پاکستان، هند و ترکیه هریک در پی بهره گیری از شرایط جدید پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال نسبی جمهوریهای آسیای مرکزی برآمده اند. این کتاب با توجه به شرایط نوین منطقه، «بازی بزرگ» روسیه تزاری و بریتانیا را در آسیای مرکزی مورد توجه قرار می دهد. هاپکرک در نظر دارد با ارائه تصویری از

«بازی بزرگ» قدرت یاد شده، شرایط تکوین، کیفیت و پایان آن، زمینه ذهنی مناسبی را برای خوانندگان کتاب خود فراهم آورد، تا بازیگران جدید «بازی بزرگ» را با توجه به پیشینه تاریخی مسائل آسیای مرکزی مورد تجزیه و تحلیل واقعی تری قرار دهند.

هاپکرک با نگاهی به آسیای مرکزی در عصر مغول، کتاب خود را آغاز کرده و پیامدهای سلطه چنگیز خان و نوادگان او را بر آسیای مرکزی تحلیل می کند. طی این دوران، روسیه نیز تحت سیطره مغولان قرار داشت و میراث این سلطه را نیز پذیرا شده بود. حاکمیت ایوان مخوف (ایوان سوم)، سرآغازی برای رهایی روسیه از سیطره مطلقه مغولان بود. تمایل روسیه به سوی جنوب و بویژه هندوستان، از دوران پتر کبیر آغاز شد. در وصیتنامه منسوب به پتر، تسلط بر هندوستان و قسطنطنیه، به عنوان گامهای نخستین و ضروری برای سلطه روسیه بر جهان توصیه شده بود. این رهنمود، رقابت طولانی و پیگیری را با قدرتهای دیگر، بویژه بریتانیا جهت داد.

در آغاز قرن نوزدهم و از دوران پس از کاترین کبیر، توجه روسیه به سوی

شرق شدت یافت. امپراطور پل اول کوشید قزاق‌ها^۱ را در برابر قبایل ترکمن که از سوی بریتانیا تحریک می‌شدند، قرار دهد. فرانسه دوران ناپلئون نیز از سمت شرقی اروپا تا نواحی پیرامون دریای خزر، نفوذ خود را توسعه می‌بخشید. هدف روسیه در این دوران، تنها دسترسی به خان‌نشین خیه و ماوراءالنهر و نه هندوستان بود.

پس از حمله ناپلئون به روسیه و تقویت ائتلاف قدرتهای اروپایی علیه وی، روسیه مجال آن را یافت که پس از کنگره وین در سال ۱۸۱۵، به عنوان یکی از قدرتهای بزرگ اروپایی در صحنه این قاره به فعالیت پردازد. در کنگره وین، لرد کاسلری از انگلستان کوشید توسعه طلبی روسیه را مهار سازد، ولی در شرق و در آسیای مرکزی در صدد برآمد که با ابزارهای دیگری مانع توسعه طلبی روسیه تزاری شود. هاپکرک در کتاب خود، فعالیتهای عوامل بریتانیا در قفقاز، ایران و آسیای مرکزی را برای جلوگیری از توسعه نفوذ روسیه تشریح می‌کند. نمایندگان روسیه تزاری نیز متقابلاً کوشیدند با توسعه

روابط خود با خان‌نشین خیه موقعیت بریتانیا در هندوستان و مسیرهای تجاری آن را محدود سازند. بنابراین، مسیرهای افغانستان کنونی در این زمینه از اهمیت جدی برخوردار بود.

موفقیت‌های روسیه در قفقاز برای الحاق بخشهای مهمی از ایران، با انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمان‌چای و توسعه نفوذ آن در تنگه‌های بسفروداردانل، با نگرانی از سوی بریتانیا و عوامل آن دنبال می‌شد. در برابر فشارهای فرانسه و انگلستان، تزار روسیه در مورد تردد کشتی‌های مختلف از این مسیر تسهیلاتی را پذیرفت. پیروزی‌های روسیه در مقابله با ایران و توسعه نفوذ آن در آسیای مرکزی سبب شد تا از دهه ۱۸۳۰، «بازی بزرگ» دو قدرت (روسیه تزاری و بریتانیا) در ابعاد گسترده‌ای شکل بگیرد که هاپکرک، فصل دوم کتاب خود را به تشریح آن اختصاص داده است.

ستوان آرتور کانالی از افسران جوان انگلستان که در هندوستان فعالیت می‌کرد، یکی از بازیگران برجسته «بازی بزرگ» بود. او

۱ - منظور قزاق‌های روسی است و نه قزاقستان که اصطلاحاً کازاخ (Kazakh) خوانده می‌شوند.

خود نخستین بار این واژه را برای اشاره به رقابت روسیه و انگلستان به کار گرفت. آرتور کانالی با انجام مسافرتی طولانی در نقاط مختلف ایران و آسیای مرکزی، در نقش یک طبیب اروپایی کوشید تا اطلاعات مورد نیاز دولت خود را به دست آورد. او توانست از کم و کیف نفوذ روسیه در شرق دریای خزر، اطلاعات ارزشمندی را به دست آورد و آن را به کمپانی هند شرقی و دولت انگلستان انتقال دهد. غیر از او، عوامل متعدد دیگری از سوی انگلستان در منطقه به سفر پرداختند تا ارزیابی دقیقی از میزان حضور و نفوذ روسیه به دست آورند. هاپکرک عکسهای آنان را که بعضاً در لباسهای محلی ظاهر شده اند، در کتاب خود ارائه کرده است.

موفقیت‌های روسیه در قفقاز در برابر ایران و عثمانی، با ادامه مقاومت کوه نشینان این منطقه، دچار اختلال شد که قیام شیخ شامل در داغستان در این زمینه قابل اشاره است. سرکوب این قیام، برای روسیه هزینه ای سنگین در برداشت و تلفات شدید مالی و جانی، بهای سنگین روسیه برای سرکوب قیام شیخ شامل بود. ماموران

انگلستان نیز به نوبه خود از طریق تحریک برخی از قبایل قفقاز در تقویت و تشدید مشکلات روسیه کوشیدند. گسترش مرزهای روسیه به سوی قسطنطنیه و تهران در کتابهایی که در این دوران در انگلستان چاپ شده است، ضرورت جدیت فزاینده انگلستان در برابر آن را یادآور می‌شد.

این رقابتها در کابل و هرات نیز در دهه ۱۸۴۰ شدت یافت. کمپانی هند شرقی در این ایام، شبکه گسترده ای از عوامل خود را در سراسر آسیای مرکزی به وجود آورده بود که تحولات سیاسی-اقتصادی را گزارش می‌کردند. ضعف حکام محلی، زمینه را برای تشدید رقابت روسیه و انگلستان به خوبی فراهم کرده بود. رقابت دو قدرت برای تحکیم نفوذ خود بر هرات نیز از ویژگیهای این مرحله از بازی بزرگ بود که دولت ایران نیز از ایفای نقش جدی باز ماند.

تقویت حضور و نفوذ انگلستان در خیوه سبب شد که روسیه تصرف آن را مورد توجه قرار دهد. هاپکرک در کتاب «بازی بزرگ»، تلاشهای مأموران انگلستان را در این راستا تشریح کرده است. فعالیت‌های عوامل انگلستان برای تحکیم سلطه خود بر نواحی

گوناگون افغانستان و رقابتهای روسیه در کنار مقاومت‌های برخی رهبران محلی، از بخش‌های مهم این کتاب است. مرگ شاه شجاع در افغانستان به این روند شدت بخشید. جریان جنگ‌های افغانستان به تفصیل، بخش‌هایی از کتاب را تشکیل داده است.

در طول سال‌های میانی قرن نوزدهم، روسیه و بریتانیا کوشیدند از نقاط ضعف یکدیگر به ترتیب در آسیای مرکزی و پیرامون هندوستان و قفقاز بهره گیرند. این امر، قبایل مسلمان قفقاز را نیز به بهره‌گیری از تضاد و قدرت تشویق کرد. مداخله بریتانیا و فرانسه در جنگ کریمه، در سال ۱۸۵۴، به نفع دولت عثمانی نیز در این زمینه قابل توجه است. کنگره پاریس در سال ۱۸۵۶، مسئله شرق را حل و فصل کرد. در این میان، هدف اصلی بریتانیا، دور نگه داشتن روسیه از خاورمیانه بود. از این پس، مسیرهای تجاری دریای سیاه بر روی کشتی‌های تجاری گشوده شد و تمایلات توسعه طلبانه روسیه در شرق و مرکز اروپا نیز طی کنگره یاد شده مهار گردید.

هایپرک فصل سوم و پایانی کتاب خویش را به تشدید رقابت‌های بریتانیا و

روسیه و پایان آن اختصاص داده است. این فصل، با تشریح پیشروی‌های روسیه در آسیای مرکزی آغاز شده است. توسعه نفوذ انگلستان در چین، روسیه را نسبت به مسائل شرق حساس‌تر ساخت. امتیازاتی که قدرتهای اروپایی پس از جنگ تریاک، در سال ۱۸۵۶، در چین به دست آوردند، بر شدت نگرانی روسیه افزود. حضور آلمان و فرانسه در مرزهای شرقی روسیه و ایجاد کنسولگری‌های اروپایی در کاشغر (شرق تاشکند)، در این راستا قابل اشاره است. مناطق حاصلخیز خوقند و دره فرغانه که برای کشت پنبه مناسب شناخته شده بودند، بر شدت تمایل و توجه روسیه بر آسیای مرکزی افزود. روسیه پس از تحکیم روابط تجاری، اشکال دیگر روابط با این منطقه را نیز مورد توجه قرار داد. این روند از سال ۱۸۶۴ آغاز شد.

در نیمه قرن نوزدهم، آسیای مرکزی تحت سیطره سه خان نشین خیه، خوقند و بخارا قرار داشت، که در ستیز و کشمکش دائمی با یکدیگر بودند. تاشکند، بزرگترین و آبادترین شهر این منطقه به شمار می‌رفت، که به خان نشین خوقند تعلق داشت. روسیه با

تصرف این شهر، سلطه مستقیم بر آسیای مرکزی را پی گرفت و به اعتراض بریتانیا واقعی نهاد. ملاحظات تجاری در این دوران، برای روسیه اهمیت اساسی داشت و نگرانی از تقویت حضور و نفوذ اروپایی ها و بویژه بریتانیا، سبب تسریع در اقدام نظامی روسیه تزاری شده بود. همچنین فضای حیاتی آسیای مرکزی برای تأمین مواد اولیه و بازارهای آن برای روسیه از جاذبه بسیار برخوردار بود. از این رو تسلط روسیه بر خیره، راههای توسعه نفوذ آن را در خوقند و بخارا گشود. هاپکرک در کتاب خود سیاستها و تلاشهای انگلستان را در برابر اقدامات روسیه بررسی و تشریح کرده است. خان نشین خیره که از مسکو و دیگر خانات دورتر و به چین نزدیک تر بود، چندی پس از آن از تجاوز روسیه مصون ماند. از طرف دیگر، علی رغم اعتراضات سیاسی انگلستان، نیروهای روسیه تزاری در قفقاز، استقرار خود را در سراسر سواحل دریای خزر و آسیای مرکزی تحکیم بخشیدند.

فعالیت جاسوسان انگلستان نیز در این دوران تشدید گردید، تا «بازی بزرگ» را در مرحله جدیدی دنبال کنند. آنها با اقدامات

خود کوشیدند تا مانع توسعه نفوذ روسیه در ترکستان چین (سین کیانگ امروزی) شوند، ولی روسیه تزاری پیشروی خود در شرق به سوی سبیری را ادامه داد. روسیه توانست با خان نشین خیره نیز پیمان تحت الحمایگی منعقد سازد، ولی این روند متوقف نشد. روسیه تزاری با ضمیمه کردن مناطق وسیعی از آسیای مرکزی، به دروازه های هندوستان نزدیک شد. اهمیت حفظ و تقویت نفوذ انگلستان در افغانستان، از این دوران بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. روسیه نیز تلاش می کرد حکام محلی را برای مقابله با انگلستان جذب کند. بهره گیری عوامل انگلستان از ترکمن های گوگ تپه در جنوب بحرای قره قوم نیز علیه روسیه شکل گرفت. آنها در هیأت افراد گوناگون از ملیتهای مختلف به ارزیابی وضعیت منطقه می پرداختند. به هر حال، با تصرف مرو و شکست ترکمن ها، روسیه به هندوستان نزدیک تر شد. پس از آن، تهدید روسیه علیه هرات نیز جدی تر گردید. هاپکرک در کتاب «بازی بزرگ»، با شرح و تفصیل به بیان تداوم رقابت دو قدرت یاد شده پرداخته است.

در دهه ۱۸۸۰، رقابت دو کشور در

شرق و جنوب افغانستان کنونی تمرکز یافت. از آنجا که انگلستان در این دوران، در رقابتهای استعماری افریقا به طور شدیدی درگیر بود، روسیه توانست، با عهدنامه سنت پترزبورگ، کنترل خود را بر کاشغر تحکیم کند. برخی از نظامیان و سیاستمداران روسی بر خروج کامل انگلستان از این منطقه تأکید داشتند. پس از این توافق نیز، مجدداً عوامل انگلستان برای کسب شرایط مساوی با

روسیه و از میان بردن انحصار آن در کاشغر به فعالیت پرداختند.

امتداد یافتن خط آهن روسیه در آسیای مرکزی به سوی سمرقند و بخارا در دهه ۱۸۸۰، دسترسی به آنها را تسهیل کرد.

این امر، سبب تشدید نگرانی انگلستان از تهدید روسیه به هندوستان شد. به هر حال،

ادامهٔ احداث راه آهن به سوی مرزهای افغانستان کنونی، هزینه سنگینی در

برداشت. هاپکرک در کتاب خود سفرهای کرزن، سیاستمدار معروف انگلیسی در

آسیای مرکزی و پیرامون آن را برای تقویت مواضع دولت متبوع خود بررسی کرده است.

او در شهرهای بخارا و سمرقند و دیگر شهرهای منطقه، به گشت و گذار پرداخت و

کوشید ارزیابی دقیقی از میزان نفوذ و نقاط ضعف روسیه تزاری و عوامل آن به دست آورد. او پس از بررسیهای منطقه ای خود، در لندن احداث خط آهن سراسری روسیه از ماورای دریای خزر را برهم زنندهٔ توازن استراتژیک دو قدرت به نفع روسیه دانست. در پایان دهه ۱۸۸۰، رقابت چین نیز با انگلستان و روسیه شدت یافت. در این کتاب، ابعاد این رقابتهای مورد بررسی قرار گرفته است.

روسیه در پایان قرن نوزدهم توسعه به سوی شرق را شدت بخشید، کنت ویت،

وزیر امور مالی روسیه تزاری، ضرورت گسترش روسیه نه تنها به سوی شرق، بلکه غرب را مورد

توجه قرار داد. ورود آلمان و امریکا به رقابتهای استعماری، روسیه را نیز در سرزمینهای شرقی

خود با مسائل جدیدی مواجه ساخت. انگلستان نیز با دقت، توسعهٔ نفوذ روسیه در

ایران به سوی خلیج فارس را تحت نظر قرار داد. و رقابت فشرده ای را با روسیه سازمان داد.

این رقابت در سراسر قفقاز، ایران و آسیای مرکزی در پایان قرن نوزدهم شدت

یافت. در نخستین سالهای قرن بیستم، تا قبل از جنگ روسیه با ژاپن در سال ۱۹۰۵، قدرت

این کشور در آسیا به اوج رسیده بود. متقابلاً

رقابت انگلستان با روسیه، با حضور بازیگران جدیدی در عرصهٔ بازیهای استعماری وارد مرحلهٔ پیچیده تری شد.

ژاپن که در مسیر تحکیم اقتدار داخلی و منطقه ای خود قرار داشت، در پاسخ به گسترش روسیه به سوی شرق، بدون اعلام قبلی، ناوگان روسیه در پورت آرتور را مورد حمله قرار داد. این جنگ، توان رقابت‌های استعماری روسیه را به شدت کاهش داد و در واقع «بازی بزرگ» را در یک مرحله پایان بخشید. کتاب هاپکرک نیز با بررسی این امر، به پایان می‌رسد. روسیه در سال ۱۹۰۷ با انگلستان در مورد تقسیم ایران به توافق دست یافت و کوشید در شرایط جدید داخلی و منطقه ای، اهداف خود را تحقق بخشد. این قرارداد، پایان رسمی رقابت بزرگ را آشکار ساخت و دو کشور در سال ۱۹۱۴ در کنار یکدیگر به نبرد با نیروهای اتریش-آلمان پرداختند. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نیز تا مدتی روند مناسبات توسعه طلبانهٔ روسیه را متوقف ساخت.

پیتر هاپکرک که متخصص مسائل شرق و از نویسندگان برجستهٔ «تایمز لندن» است، سفرهای متعددی به روسیه، قفقاز،

آسیای مرکزی، چین، پاکستان و... داشته است. او در کتاب «بازی بزرگ» که به مختصری از آن اشاره شد، جریان رقابت‌های استعماری روسیه و بریتانیا را از زاویهٔ توسعه طلبی روسیه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آشکارا مواضع دولت متبوع خود را در برابر آن تشریح کرده است. او کتاب‌های بسیاری را که در روسیه و انگلستان در زمینهٔ این رقابت‌ها به نگارش درآمده اند، بررسی کرده است تا زمینه ای ذهنی برای خوانندگان ایجاد شود که در شرایط جدید نظام بین المللی نیز، روسیه تحت تأثیر میراث‌های تاریخی و گسترش طلبی خویش در مرزهای پیرامونی، به اجرای سیاست‌های مشابه پرداخته است و بازیگران جدیدی مانند آمریکا و چین در برابر این تمایلات، فرایندهای جدیدی را سازمان می‌دهند. به هر ترتیب، خواندن این کتاب برای همهٔ علاقه مندان مسائل آسیای مرکزی و خاورمیانه پرتنر و روشنی بخش خواهد بود.

الهه کولانی
عضو هیأت علمی دانشکدهٔ حقوق دانشگاه
تهران